

## «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

۱. تنها راه مقابله با طراحی‌های فرهنگی بدخواهان، تولید فرهنگی و استفاده از ثروت غنی و سرچشمه‌ی قوی دوران دفاع مقدس در همه‌ی عرصه‌ها است. (۹۵/۱۲/۱۶)
۲. انقلاب با حضور در صحنه‌ی دفاع مقدس، ماندگار شد. (۹۶/۳/۳)
۳. به‌هیچ‌وجه نباید گذاشت که دفاع مقدس و درس‌های آن به فراموشی سپرده شود. (۹۵/۱۲/۱۶)
۴. برای پیشرفت و اعتلای هر کاری باید به‌طور مستمر از آن مراقبت کرد تا آن اقدام از مسیر اصلی منحرف نشود و البته پیشرفت و اعتلا نیز با گفتن و آمار دادن محقق نمی‌شود بلکه باید محصول و نتیجه‌ی کار را بر روی زمین مشاهده کرد. (۹۵/۱۲/۱۶)
۵. ملت و کشور ایران دارای ثروت‌ها و نقاط قوت فراوان طبیعی و انسانی است اما یکی از مهم‌ترین ثروت‌ها و ارزش‌های فرهنگی، «وجود روحیه‌ی اعتقاد به مجاهدت و انگیزه‌ی حرکت در راه دین» در میان اکثریت مردم است. (۹۵/۱۲/۱۶)
۶. «اعتقاد به ایستادگی در مقابل زورگو» و همچنین اعتقاد به اینکه «اگر ایستادگی کنیم بدون تردید بر دشمن غلبه خواهیم کرد»، از دیگر ثروت‌ها و ارزش‌های فرهنگی ملت ایران است که اگر زنده نگه داشته و به میدان آورده شوند، منشأ کارهای بزرگی خواهند بود همانند آنچه که در پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران دفاع مقدس اتفاق افتاد. (۹۵/۱۲/۱۶)
۷. علت شروع جنگ تحمیلی این بود که دشمن بعثی و حامیانش در ما احساس ضعف کردند و اگر از تصرف چندروزه‌ی تهران مطمئن نبودند، قطعاً جنگ را آغاز نمی‌کردند. (۹۵/۱۲/۱۶)
۸. نتیجه‌ی شرایط آن روز، این شد که دشمن تا حدود ۱۲ کیلومتری اهواز پیشروی کرد اما با نهیب امام بزرگوار که یکی از معجزات دهر و از آیات بزرگ الهی بود، نیروهای مسلمان و انقلابی اعم از ارتش، سپاه، و بسیج به میدان آمدند و ضمن استفاده از امکانات موجود، از نقاط قوت خود از جمله مدیریت و سازماندهی و ابتکار عمل، به‌خوبی بهره گرفتند و با ایمان و شجاعت توانستند صحنه‌ی جنگ را دگرگون کنند. (۹۵/۱۲/۱۶)
۹. مسئولین باید در این خصوص مراقب باشند و نگذارند فیلم یا کتاب یا مطالب دیگر ضد ارزش‌ها و گنج عظیم دفاع مقدس تولید شود. (۹۵/۱۲/۱۶)
۱۰. در اینکه جنگ خشن و خسارت‌بار است، شکی نیست اما سؤال مهم این است که اگر ملتی مورد تهاجم قرار گیرد ولی نیرو و قدرت خود را به میدان نیاورد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ (۹۵/۱۲/۱۶)

۱۱. دوران دفاع مقدس در واقع مقوله‌ای حیاتی و همچون نفس کشیدن برای ملت ایران بود و اگر این نفس کشیده نمی‌شد، ملت می‌مُرد. (۹۵/۱۲/۱۶)

۱۲. آن رزمنده‌ی همدانی که در دوران دفاع مقدس بیست سال بیشتر نداشت، در خاطرات خود به ما می‌آموزد که «اگر می‌خواهی از سیم خاردار رد شوی ابتدا باید از سیم خاردار نفس خود عبور کنی» یعنی تا هنگامی که گرفتار خود هستیم نمی‌توانیم کاری انجام دهیم. (۹۵/۱۲/۱۶)

۱۳. راهیان نور در واقع فناوری استفاده از ثروت عظیم و معدن طلای دوران دفاع مقدس است. (۹۵/۱۲/۱۶)

۱۴. اگر در زمینه‌ی دفاع مقدس، کار فرهنگی و تولید فرهنگی مستمر وجود داشته باشد، کشور در مقابل طراحی‌ها و توطئه‌های فرهنگی، قوی خواهد شد. (۹۵/۱۲/۱۶)

۱۵. فرهنگ نیز همانند اقتصاد است و اگر در عرصه‌ی فرهنگی تولید نداشته باشیم، نیازمند واردات خواهیم شد و نتیجه‌ی واردات هم «کمر راست نکردن تولید داخلی» خواهد شد. (۹۵/۱۲/۱۶)

۱۶. اکنون واردات فرهنگی زیاد است و همه‌ی این موارد در چارچوب طراحی دشمنان برای تغییر دادن نسل جوان از نسلی عاشق انقلاب و امام و ارزش‌ها به یک عنصر وابسته به فرهنگ غرب و بی‌خاصیت برای کشور است. (۹۵/۱۲/۱۶)

۱۷. حرکت نظامی دشمن، ملت را مستحکم‌تر و منسجم‌تر می‌کند اما حمله‌ی فرهنگی، اراده‌ها را تضعیف می‌کند و نسل جوان را از کشور می‌گیرد. (۹۵/۱۲/۱۶)

۱۸. گزارشگری برای راهیان نور با گزارشگری برای گردشگران معمولی بسیار متفاوت است. زیرا در راهیان نور، محتوا باید مملو از تبیین و بیان حقایق، معرفت و نقاط برجسته‌ی دوران دفاع مقدس باشد. (۹۵/۱۲/۱۶)

۱۹. البته این موضوع به معنای اغراق‌گویی در مورد دفاع مقدس نیست. بلکه باید دشواری‌ها و برخی ناکامی‌ها در کنار موفقیت‌ها و نقاط قوت فراوان دوران دفاع مقدس بیان شود. (۹۵/۱۲/۱۶)

۲۰. بیان حقایق دفاع مقدس موجب می‌شود که تالو انسان‌های ناب و شهدای دفاع مقدس نمایان شود. (۹۵/۱۲/۱۶)

۲۱. [ اشاره به استان‌های خوزستان، ایلام، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی به‌عنوان پنج استان مقصد کاروان‌های راهیان نور ] هر یک از این استان‌ها ارزش و جایگاه خود را دارند که باید برای بازدیدکنندگان بیان شود ضمن آنکه مردم این استان‌ها نیز باید مورد توجه و پشتیبانی قرار گیرند. زیرا اگر حمایت‌های مردم این استان‌ها نبود، کار جنگ پیش نمی‌رفت. (۹۵/۱۲/۱۶)

۲۲. درباره‌ی «راهیان نور»، بحمدالله این حرکت موفق - که چند سالی است در کشور راه افتاده و روزبه‌روز بحمدالله توسعه پیدا کرده است - یکی از جلوه‌های پاسداشت دوران دفاع مقدس است. دوران دفاع مقدس را حقیقتاً بایستی گرامی شمرد، عزیز شمرد و پاسداری کرد، چون آن هشت سال - هشت سال دفاع مقدس - تضمین‌کننده‌ی حیثیت کشور و هویت ملت و امنیت فعلی و عزت ملت ایران شد. هرچه می‌توانید در این زمینه مطالعه کنید، دقت کنید، پیگیری کنید، مطمئناً به این نتیجه خواهید رسید که اگر این هشت سال دفاع مقدس با آن خصوصیات در این قطعه‌ی از تاریخ کشور ما وجود نمیداشت، امروز کشور ما و ملت ما مطمئناً نه از عزت، نه از امنیت، نه از سلامت، نه از استقلال و نه از آزادی برخوردار نبود. آن هشت سال - هشت سال بظاهر جنگ و فشار و ترس و هول و مشکلات فراوان - در باطن خود یک نعمت الهی بود؛ یکی از الطاف خفیه‌ی الهی بود که به این کشور و این ملت عطا شد. اینها چیزهایی است که باید شما خودتان بروید دنبال کنید، تحقیق کنید؛ و مطمئناً هرکسی که یک تحقیق درست و کاملی در این زمینه بکند، به همین نتیجه می‌رسد. خب، این دوران را بایستی ما پاسداری کنیم، گرامی بداریم و عزیز بداریم. این اقتداری که امروز ملت ما و کشور ما دارد، محصول آن دفاع مقدس و آن هشت سال زین در تاریخ کشور ما و در قطعه‌ی خاصّ تحقق و حدوث [پیدایش، اتفاق افتادن] خود است؛ ما باید آن قطعه‌ی نورانی را زنده نگه داریم. (۹۶/۱۲/۱۹)

۲۳. امروز انگیزه‌هایی وجود دارد از سوی دشمنان این ملت برای به فراموشی سپردن دوران دفاع مقدس؛ تلاش می‌کنند برای این کار، که یا آن را به فراموشی بسپرنند یا آن را زیر سؤال ببرند یا بدنامش کنند. امروز به‌وسیله‌ی قدرتمندان دشمن ایران برای این کار پول خرج می‌شود برای اینکه آن را به فراموشی بسپرنند. کاری که شما دارید می‌کنید، یک مبارزه‌ی مردمی عظیمی است در مقابل کاری که دشمن می‌کند. تاریخ و دوران دفاع مقدس، یک ذخیره است که از این ذخیره بایستی برای پیشرفت کشور، برای رشد ملی، برای آمادگی در میدانهای فراوانی که هر ملتی در مقابل خود دارد، استفاده کرد. (۹۶/۱۲/۱۹)

۲۴. حرف در مورد دفاع مقدس خیلی زیاد است؛ این را به شما عرض بکنم. تا امروز کتاب نوشته‌اند، خاطره نوشته‌اند، فیلم ساخته‌اند، بسیاری‌اش هم بسیار خوب و واقعاً ارزشمند [است]، اما ابعاد گوناگونی در مسئله‌ی دفاع مقدس هست که هنوز ناگفته است، هنوز تحقیق نشده است، هنوز کار نشده است، بکر مانده است. من به دو قسمت از این ابعاد گوناگون، امروز برای شما جوانان عزیز یک اشاره‌ی کوتاه می‌کنم: یک قسمت مربوط به عامل این جنگ و آن علتی که موجب شد ایران مورد این تهاجم قرار بگیرد؛ دوم، کیفیت دفاع جمهوری اسلامی و ملت ایران در این جنگی که بر او تحمیل شده بود. عرض کردم، مجموعش را که نگاه می‌کنید، این جنگ تحمیلی، این دفاع، آن بدخواهی‌ها، آن خباثتها که از طرف دشمن انجام گرفت، آن

شجاعتها، آن مظلومیتهای که از طرف ملت ایران صورت گرفت، همه‌ی اینها در مجموع یک لطف الهی بود، اما بالاخره اینها بایستی تحلیل بشود، باید شناخته بشود؛ این دو نقطه را من امروز خیلی مختصر برای شما جوانان عزیز عرض می‌کنم. (۹۶/۱۲/۱۹)

۲۵. عامل ایجاد این جنگ چه بود؟ چطور شد که ناگهان ملت ایران که به این همسایه‌ی غربی خود کاری نداشت، تعرضی نداشت، مورد تهاجم قرار گرفت و این تهاجم هشت سال طول کشید؛ علت چه بود؟ علت، عظمت انقلاب بود، اُبّهت انقلاب بود. وقتی انقلاب اسلامی به وجود آمد، عظمت این انقلاب و اُبّهت این انقلاب، دشمنان قدرتمند جهانی را ترساند، مرعوب کرد؛ این یک واقعیّت است. آن کسانی که بر تختِ قدرتِ مسلّط بر همه‌ی دنیا نشستند بودند و همه‌ی دنیا را تهدید میکردند و از هیچ‌کس نمی‌ترسیدند، یعنی قدرتمندان سرمایه‌داری غرب، در رأسشان آمریکا و بعد هم اروپا - کشورهای اروپایی واقعاً خود را در اوج قدرت و اقتدار مشاهده می‌کردند- و البتّه در آن طرف، شوروی - که آن را هم عرض خواهم کرد- همین قدرتمندانی که خود را در اوج قدرت مشاهده می‌کردند، با وقوع انقلاب اسلامی در کشور، تخت قدرت اینها به لرزه درآمد، دنیا برای اینها زلزله شد؛ واقعاً مرعوب شدند؛ نمی‌توانستند درست تحلیل کنند که این پدیده چیست که در ایران اتفاق افتاده است. در دنیای مادی، در دنیای بی‌دینی، در دنیای بی‌اعتنائی به فضیلت‌ها، در دنیای بی‌اعتنائی به اسلام بالخصوص، در یک کشوری که همه‌ی خواسته‌های غرب را حکام آن کشور موبه‌مو دارند اجرا میکنند، ناگهان یک انقلابی درست برخلاف خواسته‌ی آنها و بر ضدّ اهداف مادی و شهوت‌رانی و دنیاطلبی آنها به وقوع بپیوندد بر اساس اسلام، بر اساس دین، بر اساس فضیلت؛ [این] برایشان اصلاً قابل فهم نبود که جوانها بدون سلاح بیایند به میدان و در مقابل سلاح بایستند؛ هم دانشجو بیاید، هم دانش‌آموز بیاید -میدانید؛ یکی از عرصه‌های مهمّ مبارزات خونین این کشور، حضور دانش‌آموزان بود که در سیزدهم آبان دانش‌آموزها آمدند؛ بحث دانشجو و بحث مردان بزرگ و مانند اینها نبود؛ بچه‌های دبیرستانی و بعضاً کوچک‌تر از آنها- تا پیرمردها، تا قشرهای مختلف، در همه‌ی شهرها، در همه‌ی روستاها آمدند به میدان. این اصلاً اینها را متعجّب کرده بود که این چه پدیده‌ای است که به وجود آمده؛ [لذا] مرعوب شدند. خب، هرچه گذشت، این حیرتی که اینها داشتند، تبدیل شد به مرعوب شدن بیشتر؛ یعنی هرچه زمان گذشت، خاطر اینها نه فقط آسوده نشد، بلکه مشکلاتشان، نگرانی‌هایشان، دغدغه‌هایشان افزوده شد؛ چرا؟ برای خاطر اینکه دیدند این انقلاب در بین ملت‌های مسلمان در همه‌ی دنیا مورد استقبال قرار گرفت؛ در کشورهایی که رؤسای آن کشورها وابسته‌ی به آمریکا بودند، ملت‌ها در همان کشورها به نفع انقلاب اسلامی شعار دادند. سال ۵۸ و ۵۹ در اوّل انقلاب، تقریباً در همه‌ی کشورهای اسلامی به نفع انقلاب اسلامی حرف زدند و شعار دادند و

خطبه خواندند و مقاله منتشر کردند. این [پدیده] اینها را واقعاً متوحّش کرد؛ دیدند ایران که از دستشان رفت - [قبلاً] بر ایران مسلّط بودند - بیم این هست که تسلّط فرهنگ انقلاب بر ملت‌ها، [شیوع آن] در میان ملت‌های مسلمان موجب بشود که سایر کشورهای اسلامی و سایر دولتهای اسلامی هم از دستشان برود؛ لذا درصدد برآمدند به هر قیمتی هست این انقلاب را نابود کنند؛ جنگ رژیم بعثی صدام علیه ایران از اینجا شروع شد. (۹۶/۱۲/۱۹)

۲۶. صدام یک شخصیتی بود که آنها می دانستند - یعنی [او را] می‌شناختند؛ شخصیت‌های سیاسی را می‌شناسند - زمینه‌ی یک حرکت خودخواهانه و متکبرانانه و ظالمانه در این آدم وجود داشت؛ به‌طور طبیعی آدم متعزّض متجاوزی بود. در هنگام انقلاب هم صدام رئیس‌جمهور عراق نبود، رئیس‌جمهور عراق فرد دیگری بود - احمد حسن البکر بود - [اما] جوری ترتیب دادند که او برود کنار و این بشود رئیس‌جمهور عراق تا وادارش کنند، تشویقش کنند، تهییجش کنند برای اینکه حمله‌ی نظامی به ایران بکند. حمله‌ی نظامی به ایران [هم] اوّل به بهانه‌ی این بود - یعنی این جور می گفتند و شعار می دادند - که میخواهند مناطق نفت‌خیز را از ایران جدا کنند و به عراق متصل کنند؛ اینها [فقط] حرف بود؛ بحث مناطق نفت‌خیز نبود؛ بحث اصل حکومت بود، اصل انقلاب بود؛ می خواستند انقلاب را نابود کنند. آمریکا و اروپای قدرتمند - حالا کشورهای درجه‌ی دو و سه‌ی اروپا اهمّیتی نداشتند اما اروپای اصلی یعنی انگلیس، یعنی فرانسه، یعنی آلمان، یعنی ایتالیا، این کشورهایی که در اروپا موقعیتی داشتند، توانایی‌ای داشتند - یکسره همه پشت سر صدام قرار گرفتند و هرچه توانستند به او کمک کردند؛ هرچه توانستند کمک کردند! (۹۶/۱۲/۱۹)

۲۷. لشکرهای رژیم صدام در اوّل جنگ، لشکرهای معدودی بودند، امکاناتشان هم امکانات متعارف بود [اما] با گذشت زمان - هرچه زمان گذشت، شش ماه گذشت، یک سال گذشت، دو سال گذشت - روزبه‌روز به این امکانات افزوده شد. خب جنگ امکانات را از بین می برد، ما مثلاً اوّل جنگ یک مقدار تانک داشتیم، بعد بعضی‌اش از بین رفت؛ فرض کنید که مقداری توپخانه داشتیم، بعضی‌اش از بین رفت؛ مهمّات داشتیم خیلی‌هایش از بین رفت؛ قهراً در جنگ مصرف میشود، جنگ امکانات را کم می کند؛ هرچه جنگ پیش می رفت، امکانات رژیم بعثی چند برابر می شد؛ چه کسی به او می داد؟ فرانسه، انگلیس، آلمان، آمریکا؛ شوروی هم که ضدّ آمریکا بود، در این قضیه همراه آمریکا وارد میدان شد، آن هم به دلیل خاصّ خود: [چون] شوروی تعداد نسبتاً زیادی جمهوری‌های مسلمان دارد؛ حرکت اسلامی، انقلاب اسلامی در ایران موجب می شد که آن جمهوری‌ها به فکر هویت اسلامی خودشان بیفتند؛ دولت شوروی حاضر نبود، لذا او هم در این قضیه - در قضیه‌ی جنگ علیه ما، در قضیه‌ی مبارزه‌ی علیه ما - کنار آمریکا، دشمن دیرین خودش ایستاد. پس شد آمریکا، شوروی، ناتو - [اعضای] پیمان

ناتو که اروپا و آمریکا و مانند اینها هستند- و همه‌ی قدرتهای مسلط دنیا که پشت سر صدام قرار گرفتند علیه جمهوری اسلامی، برای اینکه جمهوری اسلامی را از بین ببرند؛ هدف این بود؛ هدف، فتح خرمشهر یا قصر شیرین یا مانند اینها نبود، هدف این بود که بیایند؛ کمالینکه همان اول کار صدام گفت که ما امروز اینجا مصاحبه می کنیم، یک هفته‌ی دیگر در تهران مصاحبه خواهیم کرد؛ این جوری برنامه‌ریزی کرده بود. این، عامل جنگ بود؛ یعنی جنگ تحمیلی یک توطئه‌ی عظیم بین‌المللی قدرتمندترین قدرتهای دنیا بود علیه جمهوری اسلامی تازه پدید آمده. مثل اینکه همه‌ی حیوانات وحشی بخواهند به یک انسان تنها و بی‌سلاح و بی‌دفاع حمله کنند؛ در واقع این جوری بود. (۹۶/۱۲/۱۹)

۲۸. جمهوری اسلامی، آن روز نه نیروهای مسلح منظمی داشت، نه دستگاه اطلاعاتی مرتب و منظمی داشت -اول انقلاب بود دیگر، همه چیز به هم ریخته بود- جمهوری اسلامی تنها چیزی که داشت، ملت باایمان و رهبر مقتدری مثل امام بزرگوار بود؛ این تنها چیزی بود که ملت داشت. همین کشور فرانسه در وسط جنگ، پیشرفته‌ترین هواپیماها و بالگردهای خودش را داد به عراق؛ همین کشور آلمان، مواد شیمیایی و سمی را در اختیار رژیم صدام گذاشت برای اینکه بتواند در جبهه‌های جنگ از مواد شیمیایی استفاده کند. (۹۶/۱۲/۱۹)

۲۹. اینهایی که امروز به اتهام مصرف مواد شیمیایی، فلان گروه را، فلان کشور را مورد تهاجم قرار می دهند، رسماً، علناً مواد شیمیایی را در اختیار صدام قرار دادند که او بمب شیمیایی درست کند، سلاح شیمیایی درست کند و در جبهه‌ها به کار برد و به کار برد و ما هنوز بعد از گذشت ۳۰ سال از پایان جنگ -تقریباً ۲۹ سال از پایان جنگ می گذرد- هنوز کسانی را داریم در بین رزمندگانمان و کم هم نیستند که به خاطر آلودگی‌های شیمیایی آن روز دچارند، گرفتارند، خیلی‌ها هم در این راه شهید شده‌اند. انگلیس‌ها کمک کردند، آمریکایی‌ها کمک کردند، نقشه‌های جنگی و ماهواره‌هایشان کمک کردند، همه‌ی دستگاه‌های شیطانی عالم به این شیطان بدبخت متکبر مغرور خودخواه -یعنی صدام- کمک کردند علیه جمهوری اسلامی، که این جنگ به وجود بیاید و این جنگ ادامه پیدا کند و این جنگ با پیروزی او تمام بشود. البته همه‌ی این تلاشها مثل تیری بود که به سنگ بخورد، به خاک بخورد؛ و علی‌رغم همه‌ی آنها، هشت سال خودشان را کشتند که یک وجب از خاک جمهوری اسلامی را در اختیار بگیرند، [اما] نتوانستند؛ در طول هشت سال، ملت ایران بر تمام این قدرتها پیروز شد. این، آن نکته‌ی اول؛ عامل جنگ این بود. (۹۶/۱۲/۱۹)

۳۰. اما کیفیت جنگ و نوع دفاعی که رزمندگان ما کردند در میدان جنگ. هیچ‌کدام از شما عزیزان دوره‌ی جنگ را یادتان نیست -البته بعضی از شخصیت‌ها را قاعدتاً می‌شناسید، کتابهایشان را خوانده‌اید؛ و من توصیه می‌کنم بخوانید این کتابهایی را که

درباره‌ی این چهره‌های عزیز و عظیم و ماندگار و در واقع استثنائی نوشته شده؛ بخوانید این کتابها را- نوع دفاع ما یک دفاع فوق‌العاده‌ای بود؛ همراه بود با عزم و اراده‌ی قوی؛ در میدانهای جنگ ما اراده و عزم و تصمیم قاطع موج میزد؛ [همراه بود] با ایمان؛ یعنی باور نسبت به حقایق خود و بطلان دشمن؛ این خیلی مهم است. در یک میدان، آن کسی که دارد مبارزه میکند اگر دارای ایمان باشد یعنی به حقایق خود معتقد باشد، به حقایق این راه معتقد باشد، این به پیشرفت او کمک خواهد کرد. اگر چنانچه این ایمان، ایمان بالله باشد، ایمان به غیب باشد که دیگر فوق‌العاده است؛ این همان عاملی است که در صدر اسلام آن پیروزی‌ها را نصیب مسلمانها کرد. در زمان ما هم همین اتفاق افتاد. عزم بود، ایمان بود، فداکاری [بود]. نتیجه‌ی آن ایمان فداکاری است؛ یعنی برایشان جان دادن مسئله‌ی اصلی نبود؛ یعنی واقعاً آماده بودند که جانشان را در راه خدا و در راه جهاد فی‌سبیل‌الله از دست بدهند؛ فداکاری. این خاطره‌هایی که نوشته می‌شود، سرشار از حوادث فداکارانه است که حقیقتاً برای همه‌ی ما درس است. بنده هروقتی که می‌خوانم یکی از این کتابها را - زیاد هم می‌خوانم- حقیقتاً نسبت به آن عظمتی که در این کارها و در این فداکاری‌ها وجود دارد، احساس کوچکی می‌کنم در خودم. (۹۶/۱۲/۱۹)

۳۱. و ابتکار؛ یکی از خصوصیات [دیگر] دفاع مقدس، روحیه‌ی ابتکار و کارهای نو بود - که اگر ملاحظه کرده باشید، خواهید دید- از سنت‌های متعارف خیلی از ارتشهای دنیا که مثلاً تجربه و آزمون هم پشت سرش هست عبور کردن، راه‌های نو را به وجود آوردن و راه‌های نو را کشف کردن. حقیقتاً این جور بود؛ یکی از مهم‌ترین مسائل رزمندگان ما ابتکار بود، بعد هم توسلات معنوی. جبهه‌ها جایی بود که انسانهای متعارف و معمولی وقتی میرفتند آنجا، حقیقتاً در وادی صفا و نورانیت عرفان وارد می‌شدند، [آن‌هم] به‌طور قهری! این خصوصیات رزمندگان ما بود. لذا خود این جنگ، انسان‌ساز شد. یعنی دفاع مقدس موجب شد که هر کدام از جوانان معمولی و عادی ما -حالا یا دانش‌آموز یا دانشجو یا کاسب یا روستایی یا کارگر یا کشاورز، باسواد، بی‌سواد- که در این بوته‌ی آزمایش، بیشتر حرکت کردند و پیشرفت کردند، در مقامات انسانی و علو مرتبه‌ی انسانی بالاتر بروند. (۹۶/۱۲/۱۹)

۳۲. این شخصیت‌های برجسته و مهم، هم‌ت‌ها، خرازی‌ها، شما خیال می‌کنید [چگونه بودند؟] شهید هم‌ت که واقعاً یک اسطوره است یا شهید خرازی که یک اسطوره است، جوانهای معمولی بودند؛ جنگ [بود که] اینها را تبدیل کرد به این شخصیت‌های برجسته و بزرگ و حقیقتاً ماندگار؛ [یا کسانی مانند] باکری‌ها، برونسی‌ها. اوستا عبدالحسین بنای درس‌نخوانده، در میدان جنگ در بین رزمندگان وقتی می‌ایستاد و حرف می‌زد - آن کسانی که پای صحبت او بوده‌اند و شنیده‌اند، [می‌دانند]- مثل یک حکیم، مثل یک دانای خردمند حرف می‌زد و قانع می‌کرد طرف مقابلش را؛ جنگ، انسان‌ساز است. این دفاع مقدس با

این خصوصیات که من گفتم، یک چنین انسانهایی تربیت میکند. چیت‌سازیان، یک پسر هفده هجده ساله [بود که] وارد میدان جنگ می شود، تبدیل می شود به یک چهره‌ی ماندگار، یک ستاره‌ی درخشان که از حرفهای او بنده و امثال بنده و شما و همه باید استفاده کنیم، و استفاده می کنیم. هزاران جوان از این قبیل در میدان جنگ ساخته شدند. (۹۶/۱۲/۱۹)

۳۳. اینها خردمندی و تدبیر داشتند. اینکه خیال کنیم همین‌طور سرشان را پایین می‌انداختند، بی‌هوا به لشکر دشمن می زدند، نخیر، با تدبیر، خردمندانه. حرکت جوانان ما در میدان جنگ، حرکت خردمندانه و مدبرانه بود. خردمندی و تدبیر داشتند، دلیری و شجاعت داشتند، فداکاری و عبادت هم داشتند. روز، به معنای واقعی کلمه، شیر غرنده‌ی میدان و شب، به معنای واقعی کلمه، زاهد و عابد و تضرع‌کننده و عبادتگر؛ شیران روز، عابدان شب؛ این‌جوری بود. (۹۶/۱۲/۱۹)

۳۴. لذا امام در یکی از آن بیانات بسیار عمیق خود بعد از یکی از این فتوحات اول کار پیام دادند [صحیفه ی امام، ج ۱۵، ص ۳۹۵] - سال ۶۰ یک فتحی شد، فتح بستان که خیلی مهم بود؛ بعد از مدتی عقب‌نشینی و شکست‌های گوناگون، فتح بستان یک پیروزی بزرگی محسوب می شد؛ [البته این] مضمون حرف ایشان است، عبارت ایشان در کتاب هست - گفتند که فتح‌الفتوح، فتح فلان شهر نیست؛ فتح‌الفتوح، تربیت و تولید یک چنین جوانهایی است؛ این فتح‌الفتوح است، واقعش هم همین است. فتح‌الفتوح برای یک کشور این است که جوانهای این کشور، هم خردمند باشند، هم باتدبیر باشند، هم مؤمن باشند، هم پارسا باشند، هم اهل تضرع و گریه و عبادت باشند، هم اهل ایستادگی در مقابل دشمن باشند، هم دارای بصیرت باشند که با این‌همه تبلیغاتی که دشمن و ایادی دشمن در همه‌ی زمانها کرده‌اند و امروز هم دارند میکنند، فریب نخورند. یک چنین جوانهایی وقتی در کشور وجود داشته باشند، آن کشور مصونیت پیدا می کند. (۹۶/۱۲/۱۹)

۳۵. هویت دفاع مقدس این است: دشمنی دشمنانِ قدرتمند جهانی این جنگ را به وجود آورد و عظمت و فداکاری جوانان ما این جنگ را به نفع ما تمام کرد. آنها با آن نیت جنگ را شروع کردند که انقلاب اسلامی را بکلی از بین ببرند، اینها با این روحیه وارد میدان شدند و کاری کردند که انقلاب اسلامی روزبه‌روز قوی‌تر و ریشه‌دارتر شد و نظام جمهوری اسلامی قوی‌تر شد؛ این هویت دفاع مقدس است. این هویت را باید حفظ کرد، این را باید پاسداری کرد. کار شما، حرکت راهیان نور از سراسر کشور، این چند میلیون نفری که از پیر و جوان هر سال حرکت میکنند و به این سمت می روند، در واقع یکی از جلوه‌های پاسداری از آن دوران نورانی و از این حقیقت نورانی است، یعنی حقیقت دفاع مقدس. (۹۶/۱۲/۱۹)

۳۶. از پیروزی انقلاب چهل سال گذشته و شماها بیشتر از ۱۸ سال و ۲۰ سال و ۲۵ سال و مانند اینها سن ندارید؛ آنها توقع داشتند و می خواستند که وقتی این نسل یعنی نسل شماها روی کار می‌آید و نوبت به شماها می‌رسد، از اسلام و از انقلاب



هیچ خبری نباشد در این کشور، و بر سیاست این کشور، بر هویت این ملت، بر همه چیز این کشور، آمریکایی‌ها، قدرتمندان عالم و سرمایه‌داران صهیونیست تسلط داشته باشند؛ توقع آنها این بود؛ با این نیت مبارزه را شروع کردند، با این نیت جنگ را راه انداختند، با این نیت حملات نرم و سخت خودشان را بعد از جنگ ادامه دادند تا امروز. امروز نتیجه چه شده؟ نتیجه این شده که در میان این نسل، کسانی هستند که استعداد رشد و شکوفایی‌شان از نسل اول بیشتر است و اقتدارشان در مقابل دشمن خبیث و دشمن متعرض و متجاوز بیشتر است و بلاشک اگر آن روز جوانان ما توانستند دشمن را به عقب برانند، امروز جوانان ما بمراتب برای عقب راندن دشمن آماده‌ترند. آنها مکر کردند، آنها نقشه کشیدند و اسلام و جمهوری اسلامی و اراده‌ی الهی نقشه‌های آنها را باطل کرد، ان‌شاءالله روزبه‌روز هم بیشتر باطل خواهد کرد. جوانهای خوب! خودتان را آماده کنید.(۹۶/۱۲/۱۹)

۳۷. من راجع به راهیان نور چند سفارش بکنم: اولاً همه‌ی دستگاه‌ها به نوبه‌ی خودشان به این حرکت کمک کنند؛ همه‌ی دستگاه‌های مختلف کشور که می‌توانند به این حرکت کمک کنند، کمک کنند؛ البته آن‌طوری که در این گزارش بیان کردند، خب بعضی از دستگاه‌ها خیلی خوب کمک می‌کنند اما عقیده این است که این کار باید مورد توجه همه‌ی دستگاه‌های کشور باشد. دیگر اینکه ابعاد فرهنگی و اجتماعی راهیان نور را هرچه می‌توانند تقویت کنند؛ ببینند واقعاً عمق فرهنگی در این حرکت عظیم مردمی چگونه تأمین خواهد شد، آن را دنبال کنند، پیگیری کنند. سفارش دیگر درباره‌ی راپیان است. کسانی که در مناطق راهیان نور برای این مسافرین و کسانی که [به آنجا] می‌روند روایتگر حوادث هستند، امانت را در این روایتگری به‌طور کامل رعایت کنند. بنده با مبالغه کردن و اغراق‌گویی کردن و مانند اینها مخالفم؛ هیچ لزومی ندارد ما اغراق بکنیم، آنچه اتفاق افتاده به قدر کافی شرافتمندانه و پُرانگیزه و جذاب هست و لزومی ندارد ما همین‌طور یک چیزی به آن اضافه کنیم. گاهی شنیده میشود که نقش امدادهای غیبی را به شکل عامیانه‌ای افزایش میدهند؛ خب امدادهای غیبی قطعاً وجود داشت، ما شاهد بودیم، می‌دانیم که امدادهای غیبی وجود داشت، منتها امداد غیبی به شکلهای عامیانه‌ای که گاهی اوقات تصویر میکنند نبود. خدای متعال قطعاً کمک می‌کند؛ خدای متعال در جنگ بدر به فرشتگان خودش امر کرد که بروید از مجاهدین فی‌سبیل‌الله حمایت کنید، کمک کنید، خدای متعال همه‌جا این کار را برای انسانهای مخلص می‌کند، اما ما در بیان این مطالب بایستی به اغراق و مبالغه و مانند اینها نیفتیم.(۹۶/۱۲/۱۹)

۳۸. حوادث برجسته‌ی دوران مقدس [باید] بیاید به کتابهای درسی؛ حوادث برجسته و مسلمی که اتفاق افتاده، منتقل بشود به کتابهای درسی تا جوانهای ما در جریان این حوادث قرار بگیرند. خب کتابهای زیادی نوشته شده؛ بعضی کتابها قطور است،

مفصل است، ممکن است خیلی‌ها نخوانند؛ میتوان از اینها قطعاتی را جدا کرد و به تناسب و جا به جا اینها را در کتابهای درسی مندرج کرد. رعایت ایمنی عزیزانِ مسافر هم یکی از چیزهای لازم است که بایستی مورد توجه باشد؛ برادرانی که مسئول هستند، به این [مسئله] توجه کنند. بدانید با این حرکت راهیان نور، با این انگیزه‌هایی که انسان در میدانهای مختلف، از جوانهای این کشور مشاهده میکند، دشمن در مقابل ملت ایران، همچنان که در این چهل سال نتوانسته است کاری انجام بدهد، بعد از این هم به توفیق الهی هیچ غلطی نمی تواند بکند. بله، اذیت‌هایی می کنند؛ آزار می کنند، مسائل تحریم، مسائل اقتصادی، تبلیغات گوناگون، از این کارها هست، این کارها آزار می کند ملت را اما متوقف نمی کند؛ وقتی اراده قوی است، وقتی تصمیم‌ها جدی است برای حرکت کردن، برای پیشرفت کردن، وقتی جوانها بصیرت لازم را دارند و دشمن را که در مقابل آنها است می‌شناسند، در شناخت دشمن اشتباه نمیکنند و تصمیم بر مقابله‌ی با دشمن را در خودشان ضعیف نمی کنند، دشمن نمی تواند حرکتی بکند، دشمن نمی تواند ضربه‌ای بزند، دشمن نمی تواند این حرکت عظیم را متوقف کند. (۹۶/۱۲/۱۹)

۳۹. به اعتقاد بنده، این جنگ - این دفاع مقدس - در کنار خساراتی که برای ما داشت، فوائد و منافع بزرگی هم داشت؛ این منافع، بمراتب بزرگ‌تر و بیشتر از آن خسارات است. خسارتهای ما در آنجا عبارت بود از خسارتهای انسانی و مادی، یعنی جوانهایی را از دست دادیم، خانواده‌هایی عزیزانشان را از دست دادند، همه‌مان برای جوانها داغدار شدیم و خسارات مادی پیش آمد، کشور از لحاظ ظواهر سازندگی یک مقداری در یک برهه‌ای عقب افتادگی پیدا کرد؛ اینها خسارات جنگ بود. همه‌ی جنگها این جور خساراتی دارد. لکن منافع جنگ، منافع بلند مدت بود؛ منافع ماندگار بود. البته منافع کوتاه مدت و منافع نزدیک هم داشت. یکی از بزرگ‌ترین فوائد این جنگ هشت ساله و دفاع هشت‌ساله، حفظ و تقویت روحیه‌ی انقلاب و حرکت، در نسل جوان ما و در جامعه‌ی ما بود. اگرچنانچه این حرکت جهادی و فداکارانه به وجود نمی‌آمد، روحیه‌ی انقلابی در آن اوایل که هنوز عمق زیادی هم پیدا نکرده بود، در معرض تطاول [تعذی، دست‌درازی] قرار می گرفت. (۹۶/۳/۳)

۴۰. یک فایده‌ی دیگر این بود که ما این فکر و اندیشه‌ی دفاع از هویت ملی و هویت دینی و انقلابی را - که بارها گفته‌ایم و شنیده‌ایم و نقل کرده‌ایم که خدای متعال کمک می کند و انسانها را در [برابر] عوائق [موانع، مصائب] و موانعی که در راه حق وجود دارد، پیروز می کند - یک بار دیگر خودمان تجربه کردیم؛ این خیلی مهم است. (۹۶/۳/۳)

۴۱. البته فواید جنگ بیش از اینها است؛ حالا اینها حرفهای تحلیلی و مانند اینها است که نمیخواهیم وقت را به این چیزها بگذرانیم. این حادثه‌ی پُربرت، این حادثه‌ی عظیم و در شکل معمولی ما آدم‌های ساده و سطحی‌نگر، واقعاً باورنکردنی، در

کشور ما اتفاق افتاد؛ یعنی ما اول جنگ هیچ چیز نداشتیم؛ من به شما عرض بکنم، ما هیچ چیز نداشتیم؛ دست خالی؛ سلاحمان، هم کم بود، هم ناقص بود، هم خارج از دسترس بود؛ برخی از اقلام موجود را [هم] که در انبارهای ما وجود داشت، تا مدت‌ها بعد از شروع جنگ به معرض استفاده نیاورده بودند. بنده اینجا در ستاد کل، در دفتر مشاورت بودم و در معرض رفت و آمد نظامی‌ها قرار داشتیم؛ خب جوانهای متعهد و مؤمنی در ارتش بودند و می‌آمدند به ما گزارش میدادند؛ بنده هم به‌عنوان نماینده‌ی امام دنبال میکردم. آمدند گفتند که ما یک توپهایی داریم به نام توپ ۲۰۳ که سنگین‌ترین توپ ما است و این [به میدان] نیامده، اصلاً مطرح نشده. حالا ما در یک چنین جنگی با این همه ابزارهایی که دشمن دارد، یک وسیله‌ای را داریم که میتوانیم استفاده کنیم و نکرديم. من در جلسه‌ی خودمان، جلسه‌ای که با همین آقایان - بنی‌صدر و دیگران - داشتیم، مطرح کردم؛ بنی‌صدر که اصلاً خبر هم نداشت، بعضی‌های دیگر هم دلشان نمیخواست این چیزها مطرح بشود؛ بعد یکی از فرماندهان شهید که در جلسه بود - خدا رحمت کند - گفت: بله، ما این را داریم، این چیز بسیار مهمی است. گفتیم خب چرا استفاده نمی‌کنید؟ یعنی چیزهایی وجود داشت که بود و استفاده نمی‌کردیم. در اهواز یک ارتشی جوانی آمد به ما اطلاع داد که در پادگان لشکر ۹۲، ما از این نفربرهای جدید - به اصطلاح «بی‌ام‌پی‌تو» که بعد در اختیار قرار گرفت - داریم. ما مکرر می‌گفتیم که مثلاً فلان وسیله نیاز است؛ می‌گفتند نداریم. ما یک روز صبح بلند شدیم و با همان شخص - همان برادر ارتشی - چون از در معمولی پادگان نمی‌شد داخل رفت، از یک راه دیگری و از یک محل دیگری وارد پادگان شدیم و رفتیم وسط پادگان؛ بنده دیدم بله! شاید تعداد مثلاً نه‌تا، ده‌تا از این «بی‌ام‌پی‌ها» آکبند - یعنی هنوز در آن تخته‌های بسته‌شده - آنجا بود؛ که اینها البته یک مقداری هوا و باد و باران خورده بود؛ زیر آسمان [بود]! اول جنگ ما این جوری بودیم. ابزارهای جنگی نداشتیم، نیروی مرتب و منظم آماده‌به‌کار و پای‌کار نداشتیم یا خیلی کم داشتیم؛ یک مقدار چیزهایی هم داشتیم از این قبیل که از اینها استفاده نمیشد؛ به‌خاطر اینکه در رأس کار کسی یا کسانی بودند که دلسوزی نداشتند؛ با این وضعیّت ما جلو رفتیم. این مطالبی که گفتم، مربوط به نیمه‌ی دوم سال ۵۹ است؛ یعنی شش ماه اول شروع جنگ. (۹۶/۳/۳)

۴۲. خب از شش ماه اول شروع جنگ، یعنی نیمه‌ی دوم سال ۵۹ تا شش ماه اول سال ۶۱ چقدر فاصله است؟ در این فاصله، حرکت ملت ایران و نیروهای مسلح ما آن‌چنان شد که دو عملیات بزرگ و مهم در همان دو سه ماه اول سال ۶۱ به وجود آمد؛ یعنی فتح‌المبین در اول [سال] در فروردین، و بیت‌المقدس و فتح خرمشهر در اردیبهشت و اول خرداد؛ یعنی این جور پیش رفت، این جور حرکت سریع بود! یعنی ما همان ماهی که از ده کیلومتری اهواز را با خمپاره میزدند - یعنی از دُب‌حردان که تا اهواز به نظرم حدود ده کیلومتر است، اهواز زیر آتش خمپاره بود - از آن وضعیّت رسیدیم به این وضعیّت که چند هزار

اسیر در فتح‌المبین و چند هزار اسیر در بیت‌المقدس [گرفتیم] و گرفتن سرزمین‌های بسیار و گرفتن خرمشهر و استحکام نیروها و مسائل دیگر [اتفاق افتاد]. تا آخر جنگ همین حالت ادامه داشته؛ یعنی روزبه‌روز ما توانستیم به هویت خودمان، به

قدرت خودمان آشنا بشویم، معرفت پیدا کنیم و پیش برویم و خودمان را بشناسیم؛ و این اتفاق افتاد. (۹۶/۳/۳)

۴۳. هشت سال همه‌ی دنیا متفق شدند علیه ما و با ما جنگیدند؛ این یک واقعیتی است، همه‌ی دنیا! یعنی آمریکا علیه ما بود در عمل، ناتو علیه ما بود در عمل، شوروی آن روز علیه ما بود در عمل، مرتجعین منطقه - همین سعودی و کویت و بقیه - همه علیه ما بودند در عمل! یعنی همه‌ی آنها علیه ما [در جنگ] شرکت داشتند؛ ما هم یک نهال تازه‌رویده با تجربه‌های کم، توانستیم بر همه‌ی اینها فائق بیاییم؛ این تجربه‌ی ما است؛ این برای «لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي» کافی نیست؟ این مثل همان زنده شدن مرغهایی است که جناب ابراهیم (علیه السلام) از خدای متعال خواست، خدا گفت این‌جوری عمل بکن برای اینکه قلبت آرامش پیدا کند. این آرامش قلبی را ما باید داشته باشیم؛ هر کسی ندارد، معیوب است؛ یعنی تعبیر بهترش این است که بگوییم معیوب است، اگر خوش‌بینانه نگاه کنیم باید بگوییم معیوب است؛ [اگر هم] بدبینانه نگاه کنیم، خب جور دیگری باید قضاوت کنیم. (۹۶/۳/۳)

۴۴. ما بر همه‌ی سختی‌ها و بر همه‌ی چالش‌ها می‌توانیم مؤمنانه فائق بیاییم؛ این نتیجه‌ی نگهداشت و پاسداشت خاطره‌ها است. من می‌خواهم اهمّیت کار را توجّه بکنید؛ خاطره‌ی این هشت سال دفاع مقدّس را نگذارید فراموش بشود. همین جزئیات، همین چیزهایی که دوستان گفتند، همه‌ی اینها مهمّ است. این کتابهایی که نوشته میشود مهم است، اینها ارزشمند است؛ صرفاً یک کار هنری نیست. البته خوشبختانه کار هنری خوبی هم دارد انجام می‌گیرد؛ هم در نگارش و ادبیات، هم در سینما و این‌طور کارها؛ کارهای خوبی خوشبختانه دارد انجام می‌گیرد. البته در بعضی جلوتریم، در بعضی عقب‌تریم؛ باید جلو برویم. از لحاظ هنری و از لحاظ جنبه‌های ادبی، کارهای باارزشی است؛ اما مسئله‌ی اینها بالاتر از این کار هنری است. این فیلمی که این آقا می‌سازد، این کتابی که آن آقا می‌نویسد، در واقع یک تزریق سیمان به این پایه‌هایی است که می‌خواهیم اینها را مستحکم کنیم، می‌خواهیم اینها را ماندگارتر کنیم؛ تقویت پایه‌های انقلاب است، تقویت پایه‌های پیشرفت کشور است، تقویت هویت ملی است؛ خیلی باارزش است. (۹۶/۳/۳)

۴۵. حقیقتاً این خاطرات، یک ثروت ملی است؛ این خاطرات، ثروت ملی است؛ متعلّق به آن شخص خاطره‌گو و راوی هم نیست، مال همه است؛ باید بگویند، باید بنویسند. البته معلوم است - بارها هم گفته‌ایم، ظاهراً هم همین‌جور است - از مبالغه و اغراق و مانند اینها باید بکلی صرف‌نظر کرد؛ متن واقع - همان که اتفاق افتاده - این‌قدر فاخر و این‌قدر زیبا و این‌قدر

معجز نشان است که احتیاج به هیچ اغراقی ندارد؛ آن اتّفاقی که افتاده، این جوری است. همان که اتّفاق افتاده، همان را باید بگویند، باید زنده کنند، باید شیوه‌های هنری را استخدام کنند برای بهتر بیان کردن آن. و اینها حسنه است، اینها صدقه است. این کسانی که این کارها را می کنند، این برادرهایی که اینجا حضور دارند، چه آنهایی که در کار نگارش و ادبیات و مانند اینها هستند، چه آنهایی که در کار فیلم و سینما و مانند اینها هستند، بدانند این کاری که انجام می دهند یک حسنه است، یک انفاق بزرگ معنوی است؛ رزق این ملت را، این جمعیت را، این کشور را، شما دارید به آنها می رسانید؛ واسطه‌ی [رساندن] رزق الهی و رزق معنوی به آنها هستید. این را قدر بدانید، این خیلی خوب است. راهیان نور از جمله همین کارها است؛ راهیان نور از جمله همین صدقات و حسنات است. نوشتن خاطره‌ها همین جور، گفتن خاطره‌ها همین جور، این جلسه همین جور. (۹۶/۳/۳)

۴۶. کسانی انگیزه دارند؛ همان کسانی که برنامه‌ریزی می کنند برای کشورهای اسلامی و به آنها ابلاغ می کنند و آنها هم قبول می کنند که مسئله‌ی جهاد را یا مسئله‌ی شهادت را از مجموعه‌ی معارف دینی کتابهای مدرسه‌ای و دانشگاهی و بقیه‌ی کتابها خارج کنند و حذف کنند - این ابلاغ شده به بعضی از کشورها؛ گفته‌اند مسئله‌ی جهاد و مسئله‌ی شهادت و مانند اینها را حذف کنید و آنها هم قبول کردند و حذف کردند؛ این انگیزه‌ها این جوری است - همان انگیزه‌ها در داخل استمرار پیدا می کند، ادامه پیدا می کند و به شکل برخی از خرده‌سیاست‌های فرهنگی، اینجا و آنجا دیده می شود؛ غفلت نباید کرد. جنگ را، دفاع مقدس را، شهادت را، جهاد را، زنده نگه داریم؛ این خاطره‌ها را قدر بدانیم؛ اینها بسیار بارزش است. (۹۶/۳/۳)

۴۷. البته ما در این زمینه هنوز خیلی حرف برای گفتن داریم - «ما» یعنی شماها و آنهایی که در جنگ بودند - و اینها میتواند نسل امروز را به معنای واقعی کلمه متّصل کند و ملحق کند به همان نسلی که آن اوج دفاع مقدس را آفرید و این اوج تاریخی ما را خلق کرد. مکرّر، خیلی زیاد، افرادی می آیند، نامه مینویسند به ما، اصرار، التماس، گریه، برای اینکه اجازه داده بشود بروند دفاع از حرم و جزو مدافعین حرم [بشوند]؛ یعنی همان چیزهایی که ما در آن روزهای دهه‌ی ۶۰ می دیدیم - که جوانها، بچه‌های کوچک، آنهایی که نمی شد بروند به یک جهتی و به یک دلیلی، می آمدند التماس می کردند برای اینکه بروند - حالا هم همان وضعیت در خیلی از اینها هست؛ [سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۱۰۱؛ «... و مرا به شایستگان ملحق فرما.»] این الحاق به صالحین است. این بر اثر همین تلاش و زحماتی است که شماها دارید انجام می دهید. ان شاء الله خداوند برکت بدهد به این تلاش شما، به این کار شما و روزبه‌روز تأثیرات آن را ان شاء الله افزایش بدهد. (۹۶/۳/۳)

به نام خداوند جان و خرد، راهیان نور و دفاع مقدس در اندیشه مقام معظم رهبری(۱)، « دوره آموزشی مدرسه عشق - سطح ۱»، حوزه بسیج، ویرایش دوم، ۹۹

۴۸. من از حوزه‌ی هنری و از برادر عزیزمان آقای سرهنگی و دیگر برادران دست‌اندرکار واقعاً تشکر میکنم؛ کارشان خیلی کار بالارزشی است. دنبال کنند؛ هم این کار را یعنی شب خاطره را، و هم تنظیم این خاطرات و یادداشت‌ها را؛ چقدر بالارزش است. و همه جا [هم] هستند؛ ما یک تعداد معدودی از شخصیت‌های جنگ را می‌شناختیم، از اینها خاطراتی شنفته بودیم، بعد یواش یواش اینها رفتند در آذربایجان، در همدان، در لرستان، در خراسان، در اصفهان، اینجا و آنجا رزمندگان را پیدا کردند، خاطرات اینها را به رشته‌ی تحریر کشیدند، [خاطرات] زنده شد؛ دیدیم چه دنیایی است، چه دریایی است از حرف، از منطق، از روحیه و روحیه‌بخشی. این بسیار کار بالارزشی است و همین‌طور ادامه بدهید این کار را. من بارها گفته‌ام ما تا پنجاه سال دیگر هم اگر درباره‌ی این هشت سال دفاع مقدس حرف بزنیم و کار کنیم و کارهای نو انجام بدهیم، زیاد نیست؛ و گمان میکنم تا پنجاه سال دیگر هم به آن انتها نرسیم. البته از شیوه‌های خوب بایست استفاده کرد، از شیوه‌های هنری باید استفاده کرد. (۹۶/۳/۳)

۴۹. بنده باز هم به ملت ایران عرض میکنم این حرکت راهیان‌نور را مغتنم بشمرید؛ از شما برادران و خواهران عزیزی که از راه‌های دور به این نقطه آمدید و بخشی از مجموعه‌ی عظیم حرکت راهیان‌نور را تشکیل دادید هم تقدیر و تشکر می‌کنم و امیدوارم ان‌شاءالله همه‌ی شما مأجور باشید و همه‌ی شما ان‌شاءالله با دست پُر و همراه با تجربه‌آموزی و بصیرت و همراه با انوار معنوی الهی ان‌شاءالله از این منطقه جدا بشوید. خداوند متعال همه‌ی شما را محفوظ بدارد. پروردگارا! به محمد و آل محمد ارواح طیبه‌ی شهدای عزیز جنگ تحمیلی را با اولیائت محشور بفرما. پروردگارا! یاد این عزیزان و فداکاران را در خاطره‌های ما و در متن تاریخ ما ماندگار بدار. پروردگارا! ما را در مقابل دشمنان، در مقابل دشمنیها، در مقابل خباثتها، با همان روحیه‌ای که مطلوب و مرضی پیغمبر اکرم و ائمه‌ی هدی است تا آخر نگه بدار. پروردگارا! ملت ایران را بر دشمنانش پیروز کن؛ روح مطهر امام بزرگوار را با اولیائش محشور کن. (۹۳/۱/۶)

۵۰. غرض از حضور در این مکان تاریخی و در جمع شما برادران و خواهران عزیز در درجه‌ی اول، احترام به روح رزمندگان و شهدای عزیزی است که این سرزمین، شاهد دلاوریهای آنها و فداکاریهای آنها و حرکت عظیم آنها در روزهای جنگ تحمیلی و دفاع مقدس بوده است. (منطقه فتح المبین، ۸۹/۱/۱۱)

۵۱. در درجه‌ی بعد، اظهار سپاس و قدردانی از مردم عزیز خوزستان و برادران و خواهرانی است که در این منطقه در حساس‌ترین زمانها، در سخت‌ترین شرائط، یک امتحان موفق از خود نشان دادند. (منطقه فتح المبین، ۸۹/۱/۱۱)

۵۲. دشمنان ملت ایران درباره‌ی مردم عزیز خوزستان چیز دیگری فکر میکردند، و چیز دیگری از آنچه که آنها فکر میکردند، پیش آمد. صف اول رزمندگان مبارز و دلاور، جوانهای فداکاری بودند که فرزندان این آب و خاک و پروریدگان این منطقه بودند: مردم عزیز خوزستان؛ زنهاشان، مردهاشان. من در دوران دفاع مقدس به بعضی از روستاهائی که زیر ستم دشمن بعثی قرار گرفته بود، رفتم و از نزدیک وضعیت آن مردم را، روحیه‌ی آنها را دیدم. آنها پیوستگیشان به ایران اسلامی و به ملت مبارز و قهرمان و به اسلام - که در ایران پرچم آن برافراشته شده بود - آن چنان بود که دشمنان بعثی نتوانسته بودند با وسوسه‌ی قومیت و همزبانی، این پیوند مستحکم را سست کنند. بنابراین حضور ما در این منطقه، از یک جهت قدردانی از مردم عزیز خوزستان است. (منطقه فتح المبین، ۸۹/۱/۱۱)

۵۳. جنبه‌ی سوم، قدردانی از شما مسافرانی است که از نقاط دور و نزدیک کشور به این مناطق آمده‌اید، با قدمهای خودتان، با دلهای خودتان، پیوستگی روحی خودتان را با آن جوانانی، با آن مردانی، با آن دلاورانی که این منطقه، شاهد فداکاری آنهاست، نشان دادید؛ چه در این منطقه - منطقه‌ی فتح المبین - چه در سایر مناطق خوزستان و چه در مناطق جنگی استانهای دیگر: مثل استان ایلام، استان کرمانشاه، استان کردستان. مردم، مردم کشور، این سنت بسیار ستودنی را از چند سال پیش در پیش گرفتند که بیایند این مناطق را سالیانه - بخصوص در چنین ایامی در اول سال - زیارت کنند. اینجا زیارتگاه است. (منطقه فتح المبین، ۸۹/۱/۱۱)

۵۴. جوانهای عزیز! فرزندان عزیز من! که اغلب شما در آن روزها نبودید، آن روزهای سخت و تلخ را ندیدید؛ این دشت زیبا، این صحنه‌ی چشم‌نواز، این زمین حاصلخیز، در یک روزی زیر پای دشمنان شما بود؛ چکمه‌پوشان رژیم بعثی در همین سرزمینی که مال شماست، متعلق به شماست، آن چنان جهنمی بر پا کرده بودند که انسان از جهات مختلف تأسف میخورد، از جمله از این جهت که چطور این سرزمین زیبا و این طبیعت چشم‌نواز را تبدیل کرده بودند به یک آتش، به یک دوزخ. در ایام محنت جنگ، قبل از عملیات فتح المبین، بنده از این منطقه‌ی شمالی مشرف بر این دشت، این چشم‌انداز وسیع را دیده بودم؛ این خاطره از یاد من نمی رود که نیروهای دشمن در این سرزمین پهناور با چندین لشکر در اینجا متفرق بودند؛ زمین شما را، خاک شما را با چکمه‌های خودشان می کوبیدند و ملت ایران را تحقیر می کردند. آن کسی که کشور شما را نجات داد، همین جوانهای فداکار و مبارز بودند؛ همین بسیج، همین ارتش، همین سپاه، همین رزمندگان فداکار، که امروز هم بازماندگان آنها در مناطق گوناگونی از کشور حضور دارند؛ بعضی از آنها هم به شهادت رسیده‌اند؛ «فمنهم من قضی نحبه و

منهم من ينتظر و ما بدلوا تبدیلا» [احزاب: ۲۳؛ «... برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده‌ی خود را] تبدیل نکردند.»] (منطقه فتح المبین، ۸۹/۱/۱۱)

۵۵. عزیزان من! جوانانی که در این جلسه، در این صحرا حضور دارید و همه‌ی جوانان کشور! بدانید نسل جوان دوران دفاع مقدس توانست با فداکاری، با هوشمندی، با اراده و عزم راسخ، کشور را از دست دشمن نجات بدهد. دشمنان نظام جمهوری اسلامی هدفشان این بود که با جدا کردن یک بخش از میهن اسلامی، ملت ایران را تحقیر کنند؛ میخواستند قهاریت خودشان را به ملت ایران تحمیل کنند؛ میخواستند ملت را ذلیل کنند و خود را مسلط بر جان و مال و ناموس ملتمان قرار بدهند. کی نگذاشت؟ جوان رزمنده‌ی فداکار، آن عزم راسخ، آن ایمان قوی، جلو دشمن با همه‌ی حجم انبوهش ایستاد. آمریکا به دشمن ما کمک میکرد؛ شوروی آن روز کمک میکرد؛ کشورهای اروپائیی که امروز دم از حقوق بشر میزنند، آن روز به این دشمن خبیث کمک میکردند، برای اینکه بکشد، نابود کند، زمین و اهل زمین را به آتش بکشد. او هم بی‌محابا این کار را میکرد؛ اما جوانان شما، جوانان این ملت نگذاشتند. در همین دشت عباس، در همین دشت وسیع، در این منطقه‌ی طولانی، با جان خودشان آمدند توی میدان، با عزم راسخ خودشان دشمن را مغلوب کردند، منکوب کردند، ذلیل کردند و توطئه‌ای را که همه‌ی قدرتهای استکباری شریک بودند و سهیم بودند و دخیل بودند در اجرای آن، خنثی کردند. (منطقه فتح المبین، ۸۹/۱/۱۱)

۵۶. جوانهای عزیز! همیشه همین طور است؛ همیشه عزم راسخ شما، هوشمندی و بصیرت شما، ایستادگی و قاطعیت و شجاعت شما می تواند همه‌ی دشمنان را هرچند بظاهر بزرگ و نیرومند باشند، به شکست بکشاند. امروز هم همین جور است؛ فردا هم همین جور است. ملت ایران اگر بخواهد به اوج سعادت دنیا و آخرت برسد - که می خواهد و ان شاء الله خواهد رسید - راهش عبارت است از شجاعت، بصیرت، تدبیر، عزم راسخ، اراده‌ی مستحکم از سوی زن و مرد؛ و همه‌ی اینها متکی بر ایمان، ایمان اسلامی. آن چیزی که ضامن این عزم و همت راسخ در رزمندگان ما بود، ایمان قلبیشان بود. دین را، خدا را، قیامت را، مسئولیت انسانی در مقابل خدا را باور داشتند؛ این باور در هر ملتی، در هر جامعه‌ای وجود داشته باشد، او را آسیب‌ناپذیر می کند؛ می توانند مقاومت کنند. (منطقه فتح المبین، ۸۹/۱/۱۱)

۵۷. برادران و خواهران عزیز! امروز ما از روزهای جنگ تحمیلی و دفاع مقدس بمراتب جلوتریم، بمراتب قویتریم، بمراتب نفوذ ملت ایران در دنیای اسلام گسترده‌تر است؛ امروز ما تواناتریم. ملت ایران این توانائی را به برکت ایستادگیها به دست آورده. امروز هم توطئه زیاد است؛ لکن ملت ایران با ایستادگی خود، به توطئه‌ی دشمن پوزخند می زند و راه خود را با استواری طی



می کند. آنچه مهم است این است که ملت ایران این مقطع تاریخی حساس - مقطع دفاع مقدس - را هرگز فراموش نکند و سالهای پرمحنت، ولی پرافتخار دوران جنگ تحمیلی را هرگز از یاد نبرد. این آمدنها، این اظهار ارادتها، این یادبود گرفتنها، کمک میکند به اینکه این یادها در ذهنها زنده بماند. من از این حرکت راهیان نور - که چند سال است بحمدالله روزبه روز هم در کشور توسعه پیدا کرده - بسیار خرسندم و این حرکت را حرکت بسیار بابرکتی میدانم. و معتقدم این مقطع حساس برای ما یک تجربه است. شما جوانهای امروز اگر آن روز هم بودید، توی این میدان، با عزم راسخ حاضر می شدید. امروز هم در میدان علم، میدان سیاست، میدان تلاش و کار، میدان همبستگی ملی و میدان بصیرت، شما جوانها پامردی خودتان را نشان دادید، ایستادگی خودتان را اثبات کردید. گاهی اوقات جنگ نظامی آسانتر از جنگ فکری است؛ آسانتر از جنگ در عرصه های سیاسی است. ملت ایران نشان داد که در جنگ عرصه های سیاسی و امنیتی، بصیرتش و ایستادگیاش از ایستادگی در جنگ نظامی کمتر نیست. لذا جوانهای ما بحمدالله جوانهای لایق، ساخته و پرداخته ای هستند که باید به این مقدار هم اکتفا نکنند؛ همت مضاعف، کار مضاعف. هممتان را بلند کنید. ملت ایران باید عقبافتادگیهای دورانهای طولانی استبداد در این کشور و دخالت خارجی و نفوذ خارجی را جبران کند. بنده اطمینان راسخ دارم به اینکه جوان امروز کشور عزیز ما در سطح عالم، کم نظیر یا بی نظیر است. و این، نوید آینده ی کشور است. (منطقه فتح المبین، ۸۹/۱/۱۱)

۵۸. ان شاء الله شما جوانها آن روزی را خواهید دید که کشورتان از لحاظ علمی، از لحاظ فناوری، از لحاظ سیاسی، از لحاظ نفوذ بین المللی، در سطحی باشد که شایسته ی ایران اسلامی و شایسته ی ملت بزرگ ایران است. امیدواریم ان شاء الله دعای حضرت بقیه الله (اروحنافداه) شامل حالتان باشد، ارواح مطهر شهدای عزیز، شهدای جنگ تحمیلی و دفاع مقدس و بخصوص شهدای منطقه ی فتح المبین ان شاء الله مشمول الطاف الهی باشند و از همه ی ما راضی باشند و روح مطهر امام بزرگوار ان شاء الله از همه ی ما راضی و خشنود باشد. (منطقه فتح المبین، ۸۹/۱/۱۱)

۵۹. برای من مایه ی افتخار و سربلندی است که در این نقطه، در جمع شما راهیان نور و مجموعه ی عشاق دل باخته ی یاد شهیدان حضور داشته باشم. به همه ی برادران و خواهران عزیزی که در این منطقه سکونت دارند و همین طور به شما برادران و خواهران عزیزی که از نقاط مختلف کشور برای تکریم شهیدان به این نقطه آمده اید، سلام عرض می کنم. اگر این شهیدان عزیز نمی بودند و چنانچه این مردم مؤمن در این منطقه، سد راه دشمن نمی شدند، سرنوشت ایران عزیز و اسلامی چیز دیگری می شد. امروز و فردا و فرداها این ملت و این کشور، مرهون فداکاری شهیدان عزیزی است که این منطقه ی عظیم را با جسم و جان خود محافظت کردند، استقلال کشور را حفظ کردند و عزت این ملت را حفظ کردند. من در این منطقه،

مردمی را دیدم که عمر خود را در همین منطقه گذرانده بودند - برادران و خواهران عرب - و با شجاعت، با جانفشانی و وفاداری خود به اسلام و ایران عزیز، آن چنان ایستادگی کردند که همه‌ی محاسبات دشمن بعثی و پشتیبانان خارجی او، غلط از آب درآمد. من در این منطقه، جوانان غیور این کشور را مشاهده کردم که از اکناف این کشور پهناور و بزرگ، از آغوش خانواده‌ها، از زندگی راحت در کنار پدر و مادر، دل بریده بودند تا به اینجا بیایند و از مرزهای شرف و عزت ایران اسلامی دفاع کنند. خوزستان، نقطه‌ای است که در آن توطئه‌ی دشمنان ناکام ماند؛ خوزستان منطقه‌ای است که در آن محاسبات دشمنان اسلام غلط از آب درآمد. طاغوت عراق طور دیگری محاسبه کرده بود و پشتیبانان صدام - یعنی امریکا و دیگر عناصر اردوگاه استکبار جهانی - محاسبات دیگری کرده بودند. همت شما مردم، غیرت جوانان مسلمان از سراسر کشور و حمیت و ایمان مرد و زن این سرزمین، محاسبات آنها را از ریشه باطل کرد. جانمایی در اینجا قربان اهداف بلند اسلامی شدند؛ که این شهید عزیز ما - شهید چمران - یکی از نمونه‌های برجسته‌ی آن است. یاد شهدا گرامی باد! یاد سرداران شهید و مجاهدان راه خدا گرامی باد! یاد شهیدان خوزستان و جوانان مخلص عرب - از اهواز و سوسنگرد و شادگان و حمیدیه و هویزه و دیگر مناطق این استان و شهیدان آبادان و خرمشهر - گرامی باد! اینها این کشور را بیمه کردند. (۸۵/۱/۵)

۶۰. حتی از جنگ فرهنگی هم مایوسند. ببینید؛ در دهه‌ی ۷۰ که دهه‌ی دوم انقلاب ما بود، یک حرکت فرهنگی خباث‌آلودی علیه کشور ما شروع شد که بنده همان وقت مسئله‌ی تهاجم فرهنگی را مطرح کردم، مسئله‌ی شبیخون فرهنگی را مطرح کردم، برای اینکه جوانها حواسشان باشد، چشمشان باز باشد، مردم بدانند. یک حرکت وسیع فرهنگی علیه کشور ما در دهه‌ی ۷۰ شروع شد؛ حالا شما نگاه کنید؛ متولدین دهه‌ی ۷۰، امروز دارند میروند به عنوان مدافع حرم جان میدهند، سر میدهند و نیرو میدهند؛ نعشان برمیگردد! چه کسی این را حدس میزد؟ در همان دورانی که آن تهاجم وسیع فرهنگی بود، این گلها در بوستان جمهوری اسلامی شکفته شدند، این نهالها رویدند، حجی‌ها درست شدند؛ پس ما در جنگ فرهنگی پیروز شدیم و دشمن در جنگ فرهنگی شکست خورد. یک جنگ فرهنگی راه انداختند در دهه‌ی ۷۰ و بخشی از دهه‌ی ۸۰، برای اینکه افتخارات دفاع مقدس را به فراموشی بسپارند، و اصرار داشتند بر این؛ [اما] جمهوری اسلامی یک فناوری نرم را به وجود آورد، یعنی حرکت عمده‌ی راهیان نور. راهیان نور یک فناوری است؛ یک فناوری قدرت نرم است. میلیون‌ها جوان راه افتادند رفتند در جبهه‌های جنگ، در آن کانون معرفت و قدس، در آن کانون فداکاری، آنجا دیدند که چه وضعیتی بوده است و چه اتفاقاتی افتاده است؛ [برایشان] شرح دادند و در ماجرای دفاع مقدس قرار گرفتند. بله، جمهوری اسلامی این است؛ مدافع حرم تربیت می‌کند؛ راهیان نور راه می‌اندازد؛ معتکفین در مساجد را - که تقریباً همه هم جوانند،

به‌عنوان یک نماد عالی تضرع و قداست- به وجود می‌آورد؛ اینها که [قبلاً] نبود؛ پس ما در جنگ فرهنگی بر دشمن پیروز شدیم. در جنگ نظامی هم ما پیروز شدیم. در جنگ امنیتی - سیاسی هم ما پیروز شدیم. جنگ امنیتی - سیاسی‌شان سال ۸۸ و حوادث سال ۸۸ بود. برای آن حوادث سالها زحمت کشیده بودند؛ آن جور حوادث یک‌ساعته و یک‌روزه که به وجود نمی‌آمد؛ چند سال برای آن زحمت کشیده بودند؛ ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی بر توطئه‌ی دشمن فائق آمد و پیروز شد. (۹۷/۵/۲۲)

۶۱. همه مناطق دفاع مقدس از جمله خوزستان، صحنه برترین فداکاریها، مجاهدتها و از خود گذشتگی‌ها بوده است. (۹۳/۱/۶)
۶۲. پیروزی رزمندگان اسلام در این عملیات سرآغاز سلسله عملیات بعدی طریق القدس، فتح المبین و الی بیت المقدس شد که می‌توانست در همان سالها به جنگ تحمیلی پایان دهد. (۹۳/۱/۶)
۶۳. بزرگترین درس انقلاب اسلامی به ملت ایران این بود که نشان داد، راه رسیدن به آرمانهای بلند، مجاهدت و جانفشانی و ایستادگی بر سر این آرمانها است. (۹۳/۱/۶)
۶۴. باید همواره یاد دوران دفاع مقدس زنده نگه داشته شود. (۹۳/۱/۶)
۶۵. لحظه لحظه حوادث دوران دفاع مقدس، برای ملت ایران فراموش نشدنی است و تاثیرات بزرگی در مسیر حرکت ملت بسوی آرمانها دارد. (۹۳/۱/۶)
۶۶. [کاروانهای راهیان نور در مناطق عملیاتی دفاع مقدس] توشه این سفر معنوی، تجربه آموزی، بصیرت و انوار الهی باشد. (۹۳/۱/۶)
۶۷. من این سرزمین را یک سرزمین مقدس می‌دانم. این‌جا نقطه‌ای است که ملائکه‌ی الهی که شاهد فداکاری مخلصانه‌ی این شهدای عزیز بودند، به آن تبرک می‌جویند. این‌جا متعلق به هرکسی است که دلش برای اسلام و برای قرآن می‌تپد. این‌جا متعلق به همه‌ی ملت ایران است. دل‌های همه‌ی ملت ایران، متوجه این نقطه، این بیابان و همه‌ی این مناطقی است که شاهد فداکاریهای جوانان بوده است. شما که این‌جا را گرمی می‌دارید، خوب می‌کنید. آمدن شما و احترام به این نقطه، بسیار بجا و بسیار کار صحیحی است. بنده هم خواستم به ارواح طیبه‌ی شهیدان و به نفسهای معطر جوانان مؤمن، تبرک بجویم و به این عزیزان احترام کنم؛ لذا آمدم در جمع شما شرکت کردم. (شلمچه، ۷۸/۱/۸)

۶۸. برای من مایه‌ی افتخار و سربلندی است که در این نقطه، در جمع شما راهیان نور و مجموعه‌ی عشاق دل‌باخته‌ی یاد شهیدان حضور داشته باشم. به همه‌ی برادران و خواهران عزیزی که در این منطقه سکونت دارند و همین‌طور به شما برادران

و خواهران عزیزی که از نقاط مختلف کشور برای تکریم شهیدان به این نقطه آمده‌اید، سلام عرض می‌کنم. اگر این شهیدان عزیز نمی‌بودند و چنانچه این مردم مؤمن در این منطقه، سدِ راه دشمن نمی‌شدند، سرنوشت ایران عزیز و اسلامی چیز دیگری می‌شد. امروز و فردا و فرداها این ملت و این کشور، مرهون فداکاری شهیدان عزیزی است که این منطقه‌ی عظیم را با جسم و جان خود محافظت کردند، استقلال کشور را حفظ کردند و عزت این ملت را حفظ کردند. (دهلاویه، ۸۵/۱/۵)

۶۹. اجتماع عظیمی که در این نقطه‌ی برجسته‌ی تاریخی تشکیل شده است، نشانه‌ی بزرگی از قدرشناسی ملت ایران است. از اطراف کشور، مردان، زنان، پیران و جوانان به این نقطه و دیگر نقاطی که در تاریخ جنگ تحمیلی، نقاط برجسته و فراموش‌نشده‌اند، شتافته‌اند و در حقیقت، یاد آن جوانان، رزمندگان، دلاوران و مؤمنانی را که کشور و تاریخ و ملت ما همواره مدیون آنهاست، گرمی داشته‌اند. البته لازم است با قلب و زبان از مردم عزیزی که امروز از شهرهای دزفول، اندیمشک و شوش در این جلسه‌ی بزرگ شرکت کرده‌اند و همچنین از بقیه‌ی هم‌میهنان ایرانی‌مان که از سرتاسر نقاط کشور به این‌جا آمده‌اند، سپاسگزاری کنم. مکان هم پادگان دوکوهه است که **عاشورایان زمان ما - جوانان از جان گذشته و دلور ما - در طی سالهای متمادی دفاع مقدس، در همین‌جا اجتماع کردند و در همین حال و هوا، عزم و تصمیم مردانه و مؤمنانه‌ی خود را بر دفاع از این کشور به مرحله‌ی عمل درآوردند.** این پادگان و سرزمین، شاهد فداکاریها، اخلاصها، ایمانها و روحیه‌های مالمال از امواج صفا و طراوتی است که از جوانان مؤمن بسیجی و فداکار بروز کرده است. (دوکوهه، ۸۱/۱/۹)

۷۰. حضور قشرهای مختلف مردم در مناطق برجسته و فراموش‌نشده‌ی دوران دفاع مقدس به معنای قدرشناسی آنان از رزمندگان و دلورمردانی است که کشور، ملت و تاریخ همواره مدیون آنان است. (دوکوهه، ۸۱/۱/۹)

۷۱. این بیابانها را نیروهای متجاوز پر کرده بودند. تمام این سرزمین پاک و مظلوم و خونبار، در زیر چکمه‌ی متجاوزان بود و نیروهای مسلح و سازمانهای نظامی ما، همه‌ی تلاش خودشان را برای دفع و سرکوب دشمن می‌کردند. اما این جوانان با دست خالی به مقابله با دشمن می‌رفتند. آن روز شاید عده‌ی این جوانان، بیست، سی نفر بیشتر نبود. بیست الی سی جوانان با دست خالی؛ اما با دل استوار از ایمان و توکل به پروردگار. در این‌جا، در این بیابانها، چند هزار تانک و نفربر زرهی از دشمن مستقر بود. آن جمع کوچک، برای مقابله با این جمع علی‌الظاهر بزرگ می‌آمد؛ با ایمان به خدا و با توکل؛ آن‌گونه که حسین بن علی علیه‌السلام، با جمع معدود، در مقابل دریای دشمن ایستاد، قلبش نلرزید، اراده‌اش سست نشد و تردید در او راه پیدا نکرد. این جوانان، واقعاً همان‌طور بودند. من در همین‌جا، از شهید علم‌الهدی پرسیدم: شما از سلاح و تجهیزات چه دارید که این‌گونه مصمم به جنگ دشمن می‌روید؟ دیدم اینها دل‌هایشان آن‌چنان به نور ایمان و توکل به خدا محکم است که از

به نام خداوند جان و خرد، **راهبان نور و دفاع مقدس در اندیشه مقام معظم رهبری (۱)**، « دوره آموزشی مدرسه عشق - سطح ۱»، حوزه بسیج، ویرایش دوم، ۹۹

خالی بودن دست خود هیچ باکی ندارند. حرکت کردند و رفتند. آنها خواستار جهاد در راه خدا و پذیرای شهادت در این راه بودند؛ چون می‌دانستند حقّند. شهدای ما در هر نقطه‌ی این جبهه‌ی عظیم، با همین روحیه و با همین ایمان، جنگیدند. عزیزان من! برادران و خواهرانی که از منطقه‌ی دشت آزادگان، از هویزه، از سوسنگرد، از بُستان و از مناطق دیگرِ عشایرِ مختلف عرب در این جا هستید و یا کسانی که از نقاط دیگر آمده‌اید! این صحنه‌های زیبا از جوانان رزمنده، یک درس است. یک درس بزرگ برای امروزِ ملتِ ایران و برای همیشه‌ی تاریخ. در انقلاب هم، ما با دست خالی به میدان آمدیم؛ اما با دلی سرشار از ایمان و عشق، با دستگاهِ تا دندان مسلّح دشمن، جنگیدیم و بر او پیروز شدیم. البته، مبارزه زحمت دارد؛ اما حق بر باطل، پیروز است. (۷۵/۱۲/۲۰)

« اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ »

منبع:

1- KHAMENEI.IR

« با آرزوی بهترین ها » « ویرایش دوم، ۱۳۹۹ »

تهیه کننده: حوزه بسیج شرکت ملی پالایش و پخش